



بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی اینترنتی بر ادبیات

شادی آریامنش^۱، سید محمد علی بلادی نژاد^۲

۱- کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی. نویسنده مسئول

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی توسعه منطقه ای

چکیده

همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز، اثرات منفی رسانه‌های اجتماعی بر ادبیات است. برخی معتقدند رسانه‌های اجتماعی علاوه بر کاهش ارتباط کاربران با ادبیات به دلیل ماهیت اعتیادآور خود، منجر به جایگزینی مطالعه با جستجو در تلفن همراه شده و اثر منفی بر عادت‌های مطالعه دارد. به عنوان مثال در پژوهشی بیان شد که کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک در هفته بین یک تا پنج دقیقه به مطالعه می‌پردازند در حالی که میانگین مطالعه دیگر افراد بین یازده تا پانزده ساعت در هفته است. از این روی باید به این نکته توجه نمود که جهان در حال تغییر است، به ویژه پس از گسترش ویروس کرونا، رسانه‌های اجتماعی به بخش اجتناب‌ناپذیری از زندگی تبدیل شده‌اند. با این حال دیدگاه‌های موافق، مخالف و میانه‌روی در خصوص رسانه‌های اجتماعی و ادبیات وجود دارند. از این روی بررسی چگونگی اثرگذاری رسانه اجتماعی بر ادبیات و تأثیر آنها بر بهبود یکدیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس در این پژوهش که به شیوه مروری و با مطالعه اسنادی انجام گرفته است به اهمیت شناخت رسانه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین ابزار اثرگذار بر ادبیات پرداخته شده و تعاریف رسانه‌های اجتماعی و نیز تأثیر رسانه‌های مختلف بر ادبیات ارائه شده است. مطالعه این پژوهش می‌تواند در آگاهی بخشی به افراد جامعه و کاربران رسانه‌های اجتماعی به منظور تقلیل آثار منفی بر ادبیات، مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، ادبیات، مطالعه، رسانه



مقدمه

ارتباطات، فن آوری و اینترنت در آغاز قرن ۲۱ و هزاره سوم، جزء لاینفک زندگی بشر به شمار می‌روند. افزایش نمایی کاربران اینترنت، توسعه ارتباطات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، تنوع کاربردهای اینترنت، ایجاد شهرهای الکترونیکی و اینترنتی و طرح حکومت الکترونیکی از جمله شواهد موجود در تاثیرگذاری سریع این پدیده ارتباطی در جهان است. از این‌روی نقش حساس و مهمی که وسایل ارتباط جمعی در تمامی کشورها در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند انکار ناپذیر است. اهمیت رسانه‌های اجتماعی تا حدی است که آلون تافلر تمدن بشری را به سه مرحله کشاورزی، صنعتی و فراصنعتی یا عصر ارتباطات و اطلاعات تقسیم کرده است. در عصر فراصنعتی، قدرت در دست افرادی است که شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختیار خود دارند (تافلر، ۱۳۷۷). اینترنت و رسانه‌های جمعی آن از جمله عوامل موثری هستند که بیشترین تاثیر را در بعد فرهنگی جوامع امروزی، به عنوان تکنولوژی نوین عهده‌دار می‌باشند. نقش آنها در توسعه کشورها غیر قابل انکار بوده و انتظار می‌رود در آینده ای نه چندان دور به "هسته مرکزی ارتباطات" و روابط بین جوامع و انسان‌ها تبدیل شوند. شبکه‌های اجتماعی مجازی یکی از پدیده‌های نوظهور در فضای مجازی هستند که امکان تشکیل اجتماع‌های مجازی را فراهم می‌کنند و از نیروی پیش‌رونده در تغییرات اجتماعی و سیاسی جوامع محسوب می‌شوند (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۳). بنا بر آمارهای پایگاه الکسا، فیس بوک و یوتیوب که گونه‌هایی از رسانه‌های اجتماعی هستند، بعد از گوگل پر بازدیدترین سایت‌های جهان بوده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی گونه‌هایی از رسانه‌های اجتماعی هستند که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی دارند و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار بسیاری از افراد دیگر را فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌دهند. با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی را می‌توان همچون زیرمجموعه‌ای از جامعه در نظر گرفت که افراد در آن به نوعی زندگی موازی با زندگی بیرونی خود در جامعه واقعی می‌پردازند و با افراد دیگر ارتباط برقرار می‌کنند، باید تصریح کرد که افراد با حضور در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از گونه‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی، از مزایای حضور در این اجتماع مجازی نظیر حمایت اطرافیان دریافت اطلاعات، عواطف و احساسات برخوردار می‌شوند و بسیاری از جوانب زندگی واقعی خود را که نیازمند حضور فیزیکی افراد در کنار یکدیگر نیست، در این اجتماعات مجازی به دست می‌آورند (اکبری تبار، ۱۳۹۰).

به طور کلی رسانه ابزاری برای ارتباط و انتقال اطلاعات است. در این میان گروهی از اپلیکیشن‌ها که بر پایه اینترنت هستند و بر اساس بنیان‌های تکنولوژیکال و ایدئولوژیکال ساخته شدند به عنوان رسانه‌های اجتماعی شناخته می‌شوند (Kaplan, & Haenlein, 2010). یکی از ویژگی‌های رسانه‌های جمعی اینترنتی در مقایسه با سایر امکانات ارتباطی، در آن است که برخلاف روزنامه، سینما و رادیو و تلویزیون که اخبار و اطلاعات مورد نظر را یکسویه انتقال می‌دهند، اینترنت و رسانه‌های اجتماعی آن ابزاری دو سویه است و همه می‌توانند بدون تبعیض، از اطلاعات آن استفاده کنند و یا به



انبوه اطلاعات آن بیفزایند. نقش محوری رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی، چنان دارای اهمیت است که بدون در نظر گرفتن آن، برنامه‌ریزی، توسعه و بهره‌وری در زمینه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، آموزشی و ارتباطات در جهان آینده امکان پذیر نخواهد بود (قربانی، ۱۳۹۷). افراد در رسانه‌های جمعی اینترنتی گمنام و ناشناسند و قابلیت این وجود دارد که افراد عضو اجتماعاتی شوند که در زندگی روزمره هیچ‌گاه چنین فرصتی برایشان پیش نمی‌آید.

از طرفی براساس تعاریفی که در لغت‌نامه آکسفورد از ادبیات شده است می‌توان چنین بیان داشت که ادبیات؛ کلیه آثار نوشته شده به ویژه آثاری که از نظر شایستگی هنری برتر و جاودانه هستند؛ کتاب‌ها و متن‌هایی که با موضوع خاصی منتشر می‌شوند و در نهایت اعلامیه‌ها و دیگر آثار چاپی که به منظور تبلیغ محصولی خاص و یا مشاوره استفاده می‌شوند را در بر می‌گیرد. بسیاری بر این باورند که رسانه‌های اجتماعی و ادبیات همواره در تقابل هستند. با این حال بر خلاف باور عمومی رسانه‌های اجتماعی که حاوی اطلاعات بی‌شمار و در دسترس عموم است نه تنها دشمن ادبیات نیستند بلکه ابزاری جهت نشر اطلاعات با دامنه گسترده‌تر بوده که خود می‌تواند به رشد ادبیات کمک نماید. از آنجا که بررسی ابعاد فرهنگی - اجتماعی محصولات فناوری نوین اطلاعات از قبیل رسانه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر ادبیات جوامع، اهمیت بسیاری دارد که در این پژوهش به بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی اینترنتی بر ادبیات پرداخته شده است.

رابطه بین رسانه‌های اجتماعی و ادبیات:

بررسی منابع گویای آن است که نوع رسانه در زمان‌های مختلف تاریخ در چگونگی دریافت ادبیات تأثیر گذاشته و به نوعی آن را کنترل کرده است که در ادامه به مرور رابطه بین رسانه‌های اجتماعی و ادبیات از گذشته تا کنون پرداخته شده است.

مطالعه و خواندن که بخش جدایی‌ناپذیری از ادبیات است، فرایند ذهنی تأمین امنیت و واکنش به پیام نویسنده‌ای است که با نمادهای نوشته شده یا چاپی نشان داده می‌شود. لازمه خواندن تشخیص کلمات، دانستن معنای کلمات، فهمیدن ایده‌ای که توسط نویسنده مطرح شده، چرایی خلق و خوی و دلیل انتخاب لحن، ارزیابی صحت ایده‌ها، و یاد گرفتن استفاده و یا اعمال آنها است. رسانه‌های اجتماعی براساس آنچه که در لغت‌نامه مریم وبستر^۱ تعریف شده است به انواع ارتباط الکترونیک گفته می‌شود که از طریق آن، کاربران قادر به برقراری ارتباط آنلاین بوده و ضمن ارسال پیام خصوصی، امکان به اشتراک گذاشتن اطلاعات و ایده‌های خود را دارند ارتباطات آنلاین برقرار کرده و می‌توانند اطلاعات و ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند. این لغت‌نامه همچنین ادبیات را اینگونه تعریف می‌نماید که؛ آثار نوشته شده و یا چاپ شده پیرامون موضوعی خاص را ادبیات گویند. از این تعاریف و ارتباط بین آنها می‌توان چنین برداشت نمود که امکان اینکه ادبیات و رسانه‌های

¹ . Merriam-Webster



اجتماعی را ذیل یک پرچم قرار داد به گونه‌ای که بتوان از هر دو در کنار هم بهره برد نه به طور مجزا و منفک از یکدیگر وجود دارد.

پیشینه نگاشته‌ها:

در ادامه به برخی از مطالعات حوزه رسانه‌های اجتماعی و ادبیات و یادگیری بیان شده است. احراری (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان به نقش رسانه‌ها در کنترل جامعه ضمن تبیین جایگاه رسانه‌ها در نظام سلطه به این نتیجه دست یافت که ساختار زبان این امکان را در اختیار گروه توانمند قرار می‌دهد تا گفتمان حاکم بر جامعه را به نفع خویش سمت و سو بدهند. به همین سبب رسانه‌ها برای رسیدن به این مقصود به ایجاد مفاهیم ایدئولوژیکی دست می‌زنند. اکبری تبار (۱۳۹۰) در پژوهش خود به تحلیل شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته است. یافته‌ها بیانگر آن است که رشد و گسترش روزافزون و پر سرعت رسانه‌های اجتماعی، وجه مشترک گونه‌های متعدد این رسانه‌ها مخاطب محور بودن آنها و تولید محتوا از سوی کاربران است، به این صورت که در رسانه‌های اجتماعی، هر فرد محتوایی را که خود تولید یا انتخاب کرده است با دیگر افراد به اشتراک می‌گذارد.

اخگری (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی نقش و تاثیر کتاب‌های صوتی در بالابردن انگیزه و فرهنگ کتابخوانی پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق گونه‌های کتاب صوتی را بر مبنای قالب تولید، نوع ادبی، حامل رسانه‌ای و گونه‌های جدید تقسیم‌بندی می‌کند. متن شنیداری، که بر ایند پیوند گفتار با دیگر عناصر صوتی است، به لحاظ هرمنوتیک از نسخه متنی متمایز است و در برخی از انواع مانند شعر، قصه و خاطره صرفاً شنیداری تولید می‌شود و در زمره هنر شنیداری قرار می‌گیرد. استفاده از ظرفیت کتاب صوتی در حوزه آموزش، روزنامه نگاری و گردشگری که در ایران کمتر بدان توجه شده ضروری است. همچنین لنگروردی و راوودراد (۱۴۰۰) در مطالعه خود به بررسی چگونگی انعکاس نقش و تاثیر رسانه‌های ارتباط جمعی در تغییر جهان پیرامون در متن ادبیات داستانی معاصر فارسی در ایران پرداخته‌اند. تصویر شدن رسانه به عنوان وسیله ضروری در زندگی روزمره، ابزار اطلاع‌رسانی، ابزار سرگرمی و ابزار قدرت و مقاومت و نیز ابزار آگاهی بخش و نقد در جهان رمان فارسی بوده است. تفاوت آشکار بین رسانه‌های مکتوب و رسانه‌های شنیداری و دیداری در نقش‌یابی اجتماعی و تاکید بر فرهنگ شفاهی، نقش‌پذیری تلویزیون و رادیو به عنوان اصلی‌ترین دروازه دریافت اطلاعات و کسب آگاهی، در مقابل نقش‌گزینش شده روزنامه در زندگی روزمره و از آن کم‌رنگ تر نشریات و مجلات غیرروزانه که نشان دهنده انتخاب غیرفعال مخاطب است، ضعف رسانه‌ای و نبود جایگاه مشخص و مستحکم برای رسانه‌های ارتباط جمعی در میان عموم مردم، مصرف مکتوبات رسانه‌ای به مثابه مولفه زندگی خواص و بی‌توجهی به مخاطب عام و نبود درک متناسب از فعالیت و ویژگی‌های اهالی رسانه در فضای جامعه، نتایجی هستند که از تحلیل رمان‌ها به دست آمده است.

Rafiq et al (2019) در پژوهشی با عنوان تاثیر رسانه‌های اجتماعی بر عادت‌های مطالعه، به نقش و تاثیر رسانه‌های اجتماعی مختلف بر عادت‌های مطالعه دانش‌آموزان پرداختند. این پژوهش با هدف استفاده از الگوهای رسانه‌های اجتماعی



و از نظر آماری به بررسی اثرات رسانه‌های اجتماعی عادات مطالعه پرداخته است و به این نتیجه رسید که رسانه‌های اجتماعی به صورت مستقیم تاثیر مثبتی بر عادت مطالعه دانش آموزان دارد.

برنزلز (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان شعر اینستاگرام نوعی از ادبیات دیجیتال به بررسی شعر اینستاگرام^۲ پرداخت و به این نتیجه رسید که نه تنها نوعی جدید از اینستاگرام بلکه دریچه‌ای جدید به شعر است.

همچنین Mir Aadil (2019) در پژوهشی با عنوان رسانه‌های اجتماعی، ادبیات مدرن، به بررسی رابطه ادبیات و رسانه‌های اجتماعی مختلف پرداخته است. در این پژوهش باور کلیشه‌ای که رسانه‌های اجتماعی سبب کم‌رنگ شدن ادبیات شده‌اند زیر سوال رفته‌اند و اثبات شده که رسانه‌های اجتماعی نه تنها نقش منفی دارند، بلکه سبب پررنگ شدن ادبیات نیز شده‌اند. Carlton (2014) در مقاله‌ای با عنوان ارتباط فرهنگ دیجیتال و هنر درمانی به بیان تاثیرات استفاده از رسانه‌های دیجیتال در ارتباطات روزمره و فرآیندهای زبان و تفکر پرداخته است و در این ارتباط گسترش استفاده آگاهانه از تکنولوژی رایانه را به جای تعصب ارتجاعی در برابر تکنولوژی، یا سازگاری کورکورانه نسبت به رسانه‌ها را پیشنهاد می‌کند.

نظریه‌های موافق، مخالف و میانه‌رو در زمینه رسانه

از جمله نظریه پردازانی که معتقد به رویکرد مثبت فضای مجازی در دنیای پست مدرن هستند می‌توان به شری، تورکل و استون اشاره نمود. درونمای اصلی این نظریه پردازان پیرامون تأثیرات هویتی حضور در فضای مجازی به گونه‌ای است که فضای مجازی، فضایی رهایی بخش است که به کاربر اجازه رهایی از بدن و بسیاری از محدودیتهای دیگر و شکوفایی جنبه‌های مختلف خود را که پیش از این قادر به بیان و نمایاندن آنها نبود، می‌دهد. از سوی دیگر افرادی همچون وین، کاتز، دریفوس، باومن و تاملینسون دیدگاه مقابل آنچه که بیان شد را ارائه می‌دهند. این دسته از نظریات شامل ترکیبی از نظریات و رویکردهای به نسبت بدبینانه به تأثیرات حضور در فضای مجازی بویژه در ابعاد هویتی است. این نظریات به طور پراکنده و در انتقاد از نظریات و رویکردهای به نسبت خوشبینانه پسامدرنیست‌ها شکل گرفته‌اند. مسئله نخست که این دسته از نظریه‌پردازان به آن پرداخته و آن را به چالش کشیده‌اند، مسئله گمنامی به عنوان امکانی رهایی بخش است. دنیای مجازی شاید محاسبه ناپذیرتر از دنیای روزمره باشد اما در مجموع، بر پایه همان قواعد و قراردادهای اجتماعی دنیای واقعی شکل گرفته است. در حقیقت، فضای مجازی نیز از طریق منابع قدرت اقتصادی و سیاسی واقعی کنترل و اداره می‌شود. مسئله دیگری که اکثر آسیب‌شناسان به آن پرداخته‌اند، مربوط به ویژگی‌های خاص تعاملات و ارتباطات در دنیای مجازی است. آنان معتقدند که تعاملات مجازی در نهایت، منجر به انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات کاربر در دنیای واقعی وی بویژه از لحاظ عمق و کیفیت می‌شود و عموماً استفاده بیشتر از اینترنت، با کاهش ارتباطات اجتماعی به خصوص از نوع ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده،

². Instagram poetry/ Instapoetry



دوستان نزدیک و غیره همراه است. از سوی دیگر، گروه سومی نیز در رابطه با فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی وجود دارند که از دیدگاهی میانه‌رو برخوردارند. میلر، تامپسون و گافمن از معتقدان به این دسته هستند (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۳).

اهداف و نقش ادبیات و رسانه‌های اجتماعی

با نگاهی عمیق‌تر به اهداف ادبیات می‌توان چنین بیان داشت که رویای منشتر کردن اطلاعات در سطح گسترده، بازتاب آن بر جامعه و مهم‌تر از همه ارتباط مردم با یکدیگر از طریق تجربه‌های مشترک به عنوان اصلی‌ترین اهداف ادبیات در راستای رسانه‌های اجتماعی بوده و از طریق این رسانه‌ها در حال انجام است. به بیان بهتر می‌توان ادبیات را نوعی رسانه اجتماعی و ابزاری در جهت برقراری ارتباط مردم در سراسر جهان دانست. آنچه که در جامعه امروزی توسط رسانه‌های اجتماعی در حال انجام است. یکی از اهداف ادبیات دوره ویکتوریایی نیز اثرگذاری بر کولونی‌های بریتانیایی بوده و در جوامع امروزی رسانه‌های اجتماعی برای تبلیغ یک ایده به همین روش عمل می‌نمایند. کیسی برینزا جامعه‌شناس و سخنران در حوزه رسانه‌های دیجیتال از دانشگاه شهر لندن معتقد است که همه رسانه‌ها بسترهایی برای ارتباط و بیان احساسات انسان هستند. به بیان دیگر می‌توان چنین استنباط نمود که می‌توان تمام رسانه‌ها را نوعی از ادبیات اجتماعی به شمار آورد.

برخی از مهمترین تأثیرات رسانه‌های اجتماعی بر ادبیات:

در فیسبوک، تویتر و اینستاگرام جوامعی شکل گرفتند که در رابطه با ادبیات بحث می‌کنند. افراد مختلف با سطح سواد و طبقه اجتماعی مختلف می‌توانند در این گروه‌ها و اجتماعات ادبیاتی عضو شوند و ضمن تبادل نظر، به یادگیری مطالب جدید بپردازند. در میان این جوامع، آنهایی که در زمینه نقد ادبی کار می‌کنند از محبوبیت بیشتری برخوردارند. در بعضی از این گروه‌ها مردم می‌توانند آثار خودشان را به اشتراک گذاشته و نظر دیگران نسبت به کار خود را در جهت بهبود آثار دریافت کنند.

اتحادیه‌های ادبی نیز حاوی مقالات ادبی بسیاری هستند که فرصت بی‌نظیری برای ادبیات و دوستداران ادبیات فراهم نموده‌اند. این اتحادیه‌ها در فیسبوک، تویتر و اینستاگرام در دسترس عموم قرار دارند.

از دیگر آثار رسانه اجتماعی، ایجاد بستری مناسب جهت برگزاری کنفرانس‌های ادبی در فضای مجازی است که این امر امکان بهره‌مندی افراد بیشتری از سراسر دنیا فراهم می‌نماید.

تویتر نیز به عنوان یکی از رسانه‌های اجتماعی، بستری است که به واسطه پست نظر، امکان مناظره‌های ادبیاتی را فراهم



نموده است. در اینستاگرام و فیسبوک صفحات آموزشی بسیاری درباره ادبیات وجود دارند. این صفحات به آموزش و اطلاع رسانی به مردم در مورد ادبیات با شرکت ادبیات با تصاویر و فیلم‌های جذاب می‌پردازند. بستری که مردم می‌توانند تصاویر را در کنار یک متن بر روی این دو پلتفرم، فیس بوک و اینستاگرام همراه کنند، با به اشتراک گذاشتن نقاشی‌ها، تصاویر و ویدئوها در مورد تاریخ ادبیات و خود ادبیات و شرح تصاویر و داستان‌های مربوط به آن‌ها، تأثیر چشم‌نوازی بر جذب مخاطبانی داشته است که از علاقمندان و دنبال‌کنندگان جدی ادبیات نیستند. همچون کتاب‌های الکترونیکی و بسیاری موارد دیگر در تبلیغات دیجیتال، شعر اینستاگرام³ نیز نوعی کتاب به حساب می‌آید. ویژگی‌های اجتماعی مانند امکان برقراری ارتباط مستقیم با نظرات خوانندگان و مخاطبان، مکالمه و شنیدن پاسخ‌های منتشرکننده یک اثر، از برتری‌های شعر اینستاگرام نسبت به شعر چاپ شده بر روی کاغذ است. محتوای شعر اینستاگرام، همواره ساده‌نگارانه، الهام‌بخش و احساسی است.

بازی‌های آنلاین را می‌توان به عنوان نوعی سیستم آموزشی شبیه‌سازی شده برای ادبیات تعریف کرد که شامل رقابت آنلاین و هدایت و آموزش هستند (Dempsey et al., 2015).

بازی آنلاین که خود نوعی رسانه اجتماعی به شمار می‌رود الهام‌گرفته از ادبیات است، همچنین استدلال دیگری است که ثابت می‌کند ادبیات و رسانه‌های اجتماعی در عصر مدرن دیجیتال از یکدیگر جدایی‌ناپذیر هستند. سوالی که همواره مطرح بوده این است که آیا بازی اقتباس شده از ادبیات وجود دارد یا خیر؟ پاسخ این سوال مثبت است چراکه بازی‌های معروفی وجود دارند که از ادبیات الهام گرفته‌اند، مانند بازی‌هایی که از جی آر تولکین الهام گرفته‌اند. به موازات تغییر اشعار به صورت الکترونیکی و اینترنتی، بازی‌های ویدئویی به بلوغ هنری خود رسیده‌اند، فرصت‌های بیشتری به روی شعر (و انواع دیگر ادبیات) با بازی‌های آنلاین و ویدیویی گشوده شده است. از آنجا که بازی‌ها می‌بایست با دانشی همراه باشند یا به نوعی، برای دستیابی به هنر با زبانی عمیق و دقیق پیش روند، از این روی شعر نیز باید به سمت دیجیتال شدن حرکت نماید و بجای چاپ شدن ساده رو کاغذ زمینه‌های جدیدی برای انتشارش بروز نماید (Andrews, 2007).

از سوی دیگر، عادت به مطالعه نیز رفتاری است که فرد برای کسب دانش یا تفریح یا گذران اوقات فراغت به خواندن کتابی می‌پردازد و این یک عنصر ضروری برای توسعه فردی و توانایی‌های ذهنی افراد است. افزون بر آن مطالعه کردن راهی برای دسترسی به جامعه، اقتصاد و زندگی شهری است. ادبیات تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که توسط خوانندگان مطالعه شود. این به این معناست که تنها در صورت وجود مخاطب جهت مطالعه، ادبیات معنا پیدا می‌کند مخاطبانی که مانند رسانه‌های اجتماعی با آن ارتباط برقرار می‌نمایند. مطالعات نشان می‌دهند که رسانه‌های اجتماعی و ادبیات در تقابل با یکدیگر قرار ندارند از این روی بررسی چگونگی اثرگذاری رسانه اجتماعی بر ادبیات و تأثیر آنها بر بهبود یکدیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

³. Instagram poetry



اثر گذاری رسانه‌های اجتماعی از قبیل فیسبوک، اینستاگرام، توئیتر، یوتیوب و بسیاری از رسانه‌های دیگر به پیشرفت ادبیات و پررنگ شدن در جهان مدرن بر کسی پوشیده نیست. در ادامه به فرصت‌هایی که رسانه اجتماعی برای ادبیات فراهم کرده اشاره خواهد شد که منجر به رشد، بهبود و گسترش ادبیات شده و شده و مخاطبان بیشتری جذب کرده است.

زوال فرهنگ نوشتاری و گسترش فرهنگ شفاهی:

نوشتن یعنی: مبادله اندیشه با هیچکس و در عین حال با همه کس. چه چیز شگفت‌انگیزتر از سکوتی است که هر کس هنگامی که متنی را پیش رو دارد با آن مواجه می‌شود و در مورد آن سوالی را مطرح می‌کند یا اینکه نویسنده به هنگام نوشتن، در پیش روی خود مخاطبی ناآشنا و یا خواننده‌ای نامرئی را می‌بیند و احساس می‌کند که شاید او آن متن را نپذیرد و یا در صورت پذیرش دچار سوء تفاهم شود. بشر امروز تحولی خطرناک و عمیق را پذیرفته است، آن تبدیل جادوی نگارش به جادوی الکترونیک است. فرهنگی که چاپ کتاب در آن نقشی تعیین کننده دارد، شعور اجتماعی و افکار و مناظرات عامه‌ی آن جامعه غالباً در عمل از نوعی انسجام و هماهنگی و از نظام منضبطی از واقعیت‌ها و اندیشه‌ها برخوردار است. امروز بشر با آن سروکار دارد فروپاشی و از هم گسیختگی سریع پایه‌ها و زمینه‌های تعلیم و تربیتی است که بر محور الفاظ و عبارات آرام و مکتوب استوار بود و همزمان و با همان سرعت با ظهور نظام تعلیم و تربیتی مواجه هستیم که مبتنی بر شالوده‌های تصاویری الکترونی است که به گونه‌ی برق آسا در حرکتند و لحظه به لحظه تحول می‌یابند. فرهنگ نوشتاری یکی از مظاهر مدرنیته شدن است دارای تاثیرات مثبتی در ساختار محتوای تعلیم و تربیت، حوزه اندیشه و تفکر انسان و همچنین روابط اجتماعی افراد در جامعه است به گونه‌ای که زمینه قانونمندی و پایداری افراد به اشکال مختلف قوانین و مقررات جامعه را فراهم می‌کند. همچنین ارتباط خاصی بین متن چاپی و خواننده متن به علت عدم تغییر سریع مطالب چاپی ایجاد می‌شود به گونه‌ای که فرد می‌تواند توالی مطالب یادگیری را در طول سال‌های تحصیل حس کند. این در حالی است که تکنولوژی‌ها و رسانه‌های جمعی فاقد چنین دست‌آوردی برای بشریت هستند (مظلومیان و ماهی‌گیر، ۱۳۹۶).

رسانه‌های اجتماعی و ایجاد سبکی نوین در ادبیات:

از دیگر اثرات رسانه‌های اجتماعی این است که سبکی نوین در ادبیات ارائه و خلق کرده‌اند که به ادبیات الکترونیکی یا ادبیات دیجیتال معروف است. ادبیات دیجیتال می‌تواند دو معنی داشته باشد؛ نخست آثاری که در کاغذ خلق شده‌اند و تبدیل شده‌اند یا به فرمت‌های دیجیتال اسکن شده‌اند، شکل دیگر digital-born است. در واقع یک شاعر ممکن است شعر بنویسد، اما به جای نوشتن اشعار به صورت کلمه به کلمه، یک انیمیشن دیجیتالی ایجاد نماید. در این روش شعر در یک رسانه به عنوان ادبیات الکترونیکی یا دیجیتالی ایجاد می‌شود و آنچه که نمی‌تواند در متون چاپی اتفاق افتد. نمونه



های بسیاری از این سبک جدید ادبیات وجود دارد که پس از ایجاد رسانه های اجتماعی به وجود آمده است. به طور کلی آثار دیجیتالی که وجود دارند به گسترش سهل تر ادبیات در دوران مدرن کمک شایانی می کنند. پادکست های بی شماری در مورد اسطوره شناسی، شعرها، رمان ها، شاعران و نویسندگان وجود دارد که به واقع برای مخاطبانی که فرصت کافی برای مطالعه ندارند و در هنگام انجام کارهای روزمره و رانندگی مورد توجه و جذاب است. کتاب های الکترونیکی که در راستای حفظ محیط زیست بوده و فعالین محیط زیستی یکی از طرفداران بزرگ آن ها هستند، همان کتاب های چاپ شده ای هستند که به اشکال الکترونیکی تبدیل شده اند. رمان ها و اشعار صوتی نیز به رشد ادبیات و تقویت پیوندهای دوستداران ادبیات با ادبیات بیش از پیش کمک نموده است. همان طور که پیش از این اشاره شد، استفاده از اوقات فراغت را برای شنیدن به جای خواندن امکان پذیر نمود که بی شک می توان آن را به عنوان گام بزرگی به جلو در گسترش ادبیات به شمار آورد.

بحث و نتیجه گیری

در بخش براساس مطالب پیش گفته می توان چنین نتیجه گرفت که رسانه های اجتماعی بخش جدایی ناپذیر دوران مدرن هستند تاجایی که در صورت عدم وجود این رسانه ها احتمال کم رنگ شدن تدریجی ادبیات از جوامع امروزی وجود داشت. همانطور که Jessica (2020) در کتاب خود چنین بیان می کند "جدید کردن ادبیات به معنای از ریشه نابود کردن درخت های کوچک و آنچه در گذشته وجود داشته است به منظور یافتن درخت ها و ریشه های بلند و قدیمی که بتوانند بنیان گزار ساختارهای جدید در شعر بشوند می باشد این یک استراتژی حرفه ای است که دلالت دراد بر ایجاد فرصت برای دیدن بین درختان و جنگل، بین تمرکز بر فرد، مجموعه داده ها و در شبکه بزرگتر، میدان، و یا داده ها گفت که آنها شامل است. منظورش اینه اول باید چیزای قدیمی به درد نخور رو برداریم و حذف کنیم که ریشه ها و بینان های اصلی ادبیات باقی بمونند. اینجوری میتونیم دقیق تر داده ها رو ببینیم و دریابیم که چطور از شون استفاده کنیم.

در اینجا این دیدگاه وجود دارد که چون مردم تنها بخش کوتاهی از آثار نویسندگان و شاعران مشهور را به اشتراک می گذارند به عنوان مثال در توییتر، حداکثر تعداد حروفی را می توان نوشت (۱۴۰ شخصیت است)، همچنین ویدئوهایی در یوتیوب وجود دارد که چهره های مشهوری همچون افلاطون و ارسطو را در ۱۰ دقیقه آموزش می دهند، به این معنی است که رسانه های اجتماعی به ادبیات واقعی آسیب رسانده اند و مردم به اندازه گذشته با سواد نخواهند بود. در این دیدگاه معتقدند که این تلخیص غیر حرفه ای آثار هنری ادبیات منجر به تأثیر گذاری بر محیط کلامی به شیوه ای نامطلوب شده است. این موضوع در تضاد با مطالب پیش گفته در پژوهش حاضر است. چرا که ادبیات، دنیای مدرن و سبک زندگی تغییر کرده است و مؤید آن نیز نتایج مطالعات Berensis, 2020؛ Rafiq et al., 2019؛ Mir Aadil, 2019 است.

زندگی جدید و سبک زندگی پر از شتاب، به ما اجازه نمی دهد که ساعت های طولانی را صرف خواندن تمام آثار شکسپیر



کنیم یا کتاب های زیادی بخوانیم تا ایده های افلاطون و ارسطو را درک کنیم. بر خلاف افرادی که به رابطه رسانه های اجتماعی با ادبیات موافق نیستند، نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که رسانه های اجتماعی می توانند ناجی ادبیات بوده و وضعیتی را برای انسان های مدرن فراهم نمایند که حتی در صورت عدم فرصت برای مطالعه و دسترسی به منابع فیزیکی در این دنیای مدرن با ادبیات در ارتباط باشند. در چنین شرایطی افراد بدون آنکه مستقیماً به دنبال ادبیات باشند در معرض آن قرار می گیرند و نباید این فرصت ها را نادیده گرفت که چگونه ادبیات و رسانه های اجتماعی دو مبحث جدایی ناپذیری بوده که می توانند منجر به بهبود یکدیگر شوند. از این روی استفاده روزافزون از رسانه های اجتماعی منجر به پوسیده شدن ادبیات در دنیای مدرن نشده است و بر خلاف باورهای مشترک، بسترهایی ایجاد شده که ادبیات را به همگان معرفی نماید و آنها را قادر به بحث در مورد ادبیات کند.

برخی اشکال ادبیات جدید پس از ظهور رسانه های اجتماعی به وجود آمده اند، این ادبیات جدید که می تواند در دسته ادبیات مینیمالیستی طبقه بندی شود، «هایکو» نامیده می شود و برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ مطرح شد. خیلی زود پس از ظهور، در همه جا از جمله وبلاگ ها، مراسمات ادبی، و متن های اینستاگرام و فیسبوک و... و همچنین دانشگاه ها برجسته شد.

ادبیات بازتاب جامعه در بازه خاصی از زمان است (Mir Aadil, 2019)، بنابراین باید انتظار تغییرات در همه ابعاد از جمله ادبیات را داشت، چرا که زمان آن می گذرد. با توجه به تغییرات ناگزیری که در طول زمان شاهد آن هستیم نمیتوان انتظار داشت که ادبیات از عصر شکسپیر بدون تغییر مانده باشد. در میان تأثیرات بی شمار رسانه های اجتماعی بر ادبیات، این واقعیت که فرصت شاعر بودن یا نویسنده بودن را برای دوستداران نوپای ادبیات بدون هیچ محدودیتی فراهم می آورد، می تواند به عنوان یکی از بهترین ویژگی های این تأثیرات در نظر گرفته شود. جرمنی کنت (بازیگر)، نویسنده و روزنامه نگار آمریکایی معتقد است که اگر در رسانه های اجتماعی هستید و یاد نمی گیرید، نمی خندید، الهام نمی گیرید یا شبکه سازی نمی کنید، این بیانگر آن است که به درستی از آن رسانه اجتماعی استفاده نمی کنید.

بر اساس مطالب پیش گفته می توان چنین بیان نمود که اگرچه رسانه های اجتماعی در ذات خود بسیار اعتیادآور هستند، اما لزوماً به این معنا نیست که به ادبیات و دانشجویان آسیب می رسانند. توجه به این واقعیت غیرقابل انکار است که جهان در حال تغییر است به ویژه پس از گسترش ویروس کرونا، رسانه های اجتماعی به بخشی اجتناب ناپذیر از زندگی افراد تبدیل شده اند. بر همین اساس تعریف مطالعه و خواندن متحمل تغییراتی شده است و در این فرایند اعتیاد به رسانه های اجتماعی و اتصال خود به دنیای بی نهایت دانش، ادبیات را می توان نشانه مثبت و اثر مثبت رسانه های اجتماعی دانست. مزیت دیگر ترکیب رسانه های اجتماعی و ادبیات این است که نویسندگان و شاعران می توانند با طرفداران و مخاطبان خود در ارتباط باشند. ارتباط با نویسنده مورد علاقه شما درست پس از ظهور رسانه های اجتماعی امکان پذیر می شود، هر کسی می تواند ایمیل یا پیام مستقیمی را در اینستاگرام یا فیس بوک برای هنرمند مورد علاقه خود ارسال کند. همه این موارد می توانند



دریچه‌ای برای آگاهی از نظر و انتقاد افراد جامعه و دنبال‌کنندگان باشد. در نهایت در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان چنین اظهار نمود که به طور کلی هر مبحث و موضوعی می‌تواند اثرات مثبت و منفی داشته باشد و در این بین رابطه رسانه‌های اجتماعی و ادبیات مستثنا نبوده و می‌توانند ذیل اثرات مثبتی که بر اثرات منفی ارجحیت دارد، در جهت بهبود یکدیگر عمل نمایند. با اینکه بسیاری از اندیشمندان استفاده از تکنولوژی‌هایی مانند کامپیوتر و تلویزیون را ابزاری می‌دانند که بسیاری از مفاهیم را تغییر داده‌است و زندگی را تحت تاثیر قرار داده و بهتر است بگوییم خسارت‌های بیشتری وارد کرده است. ساده‌انگاری است، اگر بپذیریم این اندیشمندان مخالف تکنولوژی به تمام معنا هستند. بلکه سعی آنها در انتقاداتی که به تکنولوژی‌ها و رسانه‌ها وارد کرده‌اند این است که مردم را نسبت به روی دیگر سکه تکنولوژی متوجه سازد. به عنوان نمونه، کامپیوتر نیاز است اما ضرورت ندارد تا یک کودک نیز درگیر آن شوند. به عبارتی به کارگیری قدرت عقل، راه ممانعت سلطه تکنوپولی و ابزار مستقیم آن همچون رسانه را بر انسان امروزی است. زیرا هیچ وسیله و ابزاری به خودی خود چندان خطرناک و تهدیدکننده نخواهد بود اگر مصرف‌کنندگان آن ابزار به میدان و حوزه‌های مرئی و نامرئی خطرات آن واقف باشند. بنابراین می‌توان این گونه استنباط نمود که هر تکنولوژی آسیب‌ها و چالش‌هایی را برای انسان امروزی به ارمغان می‌آورد اما اگر همین انسان چنانچه به سواد رسانه‌ای و تکنولوژیکی مجهز باشد به آسانی می‌تواند از تأثیرات منفی آن‌ها کاسته و از آن‌ها به در جهت تعالی زندگی خود و دیگران بهره‌گیرد.



منابع

۱. احراری، ابراهیم، ۱۳۸۲، نقش رسانه ها در کنترل جامعه. پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳.
۲. اخگری، محمد، ۱۴۰۰، گونه شناسی کتاب صوتی به مثابه هنر شنیداری در عصر رسانه های نو. مطالعات فرهنگ - ارتباطات سال بیست و دوم تابستان ۱۴۰۰ شماره ۵۴.
۳. اکبری تبار، علی اکبر. ۱۳۹۰. بررسی تحلیل شبکه‌های اجتماعی مجازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۴. خدایاری، کلثوم؛ دانشور حسینی، فاطمه و سعیدی، حمیده. ۱۳۹۳. میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱۶۷ تا ۱۹۲.
۵. فخریان لنگرودی، فرزانه، راودراد، اعظم، ۱۴۰۰، بازتاب رسانه‌های ارتباط جمعی در ادبیات داستانی معاصر ایران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۳.
۶. قربانی، مرتضی، ۱۳۹۷، بررسی تاثیر رسانه های جهانی بر هویت فرهنگی جوانان، چهارمین کنفرانس بین المللی توانمند سازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، <https://civilica.com/doc/903925>
۷. مظلومیان، سعید و ماهی گیر، فرید. ۱۳۹۶. بررسی تأثیرات مثبت و منفی تکنولوژی و رسانه‌های جمعی در تعلیم و تربیت. کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی. دانشگاه دولتی علمی کاربردی شوشتر، شرکت دانش پژوهان همایش آفرین پارس بین المللی.
۸. مظلومیان، سعید؛ ماهی گیر، فرید. ۱۹۶. بررسی تأثیرات مثبت و منفی تکنولوژی و رسانه های جمعی در تعلیم و تربیت. کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی.
۹. الوین تافلر و دیگران، به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: نشر سیمرخ چاپ سوم ۱.
۱۰. الوین تافلر و دیگران، به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: نشر سیمرخ چاپ سوم.

1. BerensIs, Kathi Inman. (2019). Instagram Poetry E-liter y E-literature ?
2. Carlton, N. (2014). Digital culture and art therapy. The Arts in Psychotherapy, 41, 41-45.
3. Dempsey John, Rasmussen Karen, (2015), The Instructional Gaming Literature: Implications and 99 Sources
4. Ensslin, Astrid. (2014). Literary gaming. mit Press.
5. Kaplan, A. M., & Haenlein, M. (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of Social Media. Business horizons, 53(1), 59-68.
6. McMullan, Thomas. (2014). Where literature and gaming collide. Eurogamer. net.
7. Mir Aadil. (2019). Is Social Media The Modern Literature ?
8. Pressman, Jessica. (2014). Digital modernism: Making it new in new media (Vol. 21). Oxford University Press.



9. Rafiq, Muhammad., Asim, Andleeb., Muhammad Tufail Khan., & Arif, Muhammad. (2019). The effects of social media on reading habits. *Pakistan Journal of Information Management and Libraries*, 21, 46-65.